



این مقاله قبلا (در آزادی زن شماره ۲۳) منتشر شده است ولی به علت اهمیت موضوع روز همبستگی زنان ایران مجددا در این شماره منتشر می‌شود.

۲۲ خرداد و جنبش آزادی زن!

## آیا جنبش آزادی زن در ایران به یک روز همبستگی ایرانی نیاز دارد؟

آذر ماجدی

سازمان دهندگان حرکت ۲۲ خرداد ۱۳۸۴ این روز را سرآغاز فصلی نوین در جنبش حقوق زن میدانند. ۲۲ خرداد ۸۴ جمعی در مقابل سر در دانشگاه تهران با مطالبه تغییر قانون اساسی بنفع زنان شکل گرفت. فعالین حقوق زن فضای مضحکه انتخابات رئیس جمهور را موقعیت مناسبی برای تجمع ارزیابی کرده بودند. از یک سو با این حرکت قصد داشتند بر نتیجه انتخابات تاثیر بگذارند و از سوی دیگر امید داشتند که رژیم اسلامی در این فضا به سرکوب تجمع مبادرت نرزد.

در مورد اول اشتباه ارزیابی کرده بودند. کاندید

صفحه بعد



## لزوم مبارزه جدی در زمینه در هم شکستن آپارتاید جنسی در محیط کار

دنباله مصاحبه با علی جوادی عضو شورای مرکزی ساز

قسمت سوم (قسمتهای اول و دوم این مصاحبه در شماره‌های ۴۴ و ۴۵ منتشر شده است)

**پروین کابلی:** علی جوادی در ایران فقر بیداد میکند. قیمت مواد غذایی در همین چند ماه گذشته چند برابر شده است. این اوضاع چه تاثیری در زندگی روزمره مردم و بویژه در خانواده‌ها دارد؟

**علی جوادی:** چندی پیش یکی از مسئولین حکومت اسلامی (معاون اقتصادی برنامه ریزی دولت احمدی نژاد) جمعیت زیر خط فقر را ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر اعلام کرد. اما در نزد خودشان به سرعت برخی اعلام کردند که این آمار مربوط به "خط فقر خشن" است و نه "خط فقر"! خودشان میگویند که جمعیت زیر "خط فقر" بیشتر از ۵۰ درصد است. یعنی بیش از ۳۵ میلیون نفر مردمان در یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه نمیتوانند

دنباله در صفحه ۶



سخن سردبیر شماره ۴۷

## مبارزه بر علیه حکومت زن ستیز و سیستم آپارتاید جنسی ایران یک مبارزه رادیکال است

سال گذشته صحنه مبارزه در ایران تغییراتی اساسی نمود. مبارزه برای آزادی محمود صالحی و اسانلو، دستگیری فعالین جنبش زنان و زندانی کردن آنها، حرکت دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و دستگیریهای گسترده در میان آنها و سپس مبارزه برای آزادی آنها، تشدید فشار بر زنان و تشدید اذیت و آزار دختران دانشجو و صدها نمونه دیگر نشانه‌هایی از این تغییرات است. تغییراتی که اساسا موجودیت جمهوری اسلامی را نشان گرفته است. این حرکات بر بستری از افزایش فقر وسیع و نارضای مردم گسترده تر میشود.

در این میان سالگرد ۲۲ خرداد در ایران بار دیگر تقلاهایی را در میان فعالین جنبش زن در ایران بوجود آورد. این تقلاها با همخوانی اپوزیسیون راست خارج کشور، که برای خلیج فارس و "چو ایران نباشد تن من مباد" سینه میزند همراهی شد. ارکستری که در هوای افزایش نارضایتهای بنیادی بر علیه جمهوری اسلامی خاصیت خود را بیشتر و بیشتر از دست میدهد و به آهنگی ناموزون تبدیل میشود.

از نظر فعالین جنبشی که پشت این حرکت قرار گرفته است شاید این یک قضاوت بیرحمانه باشد که توجهی به موقعیت مبارزه علنی در جمهوری اسلامی ندارد.

در اینکه حق تجمع و ابراز عقیده و برپائی تشکل یک حق ابتدائی و مسلم هر انسانی است و اینکه تظاهرات ۲۲ خرداد باید یک حق باشد شکی نیست. حقی که در جمهوری اسلامی با سرکوب وحشیانه پاسخ گرفته است. اما تلاش این جریان برای زنده نگه داشتن ۲۲ خرداد بعنوان روز همبستگی با زنان ایران تلاش برای اعتبار بخشیدن به یک جنبش مسالمت آمیز است. سوال این است که چه جنبش مسالمت آمیزی میتواند در اوضاع کنونی شکل بگیرد و در عین حال میتواند بطور واقعی خواستهای زنان را به پرچم مبارزه خود تبدیل نماید. در این شکی نیست که شرایط مبارزه در هر دوره، بر اساس یک توازن قوای مشخص میان فعالین هر جنبش و نیروی اجتماعی سازمان داده شده پشت آن، میتواند تعادل قوای واقعی را تعیین نماید.

شاید جواب این است که سازمان دهندگان اعتراض ۲۲ خرداد هنوز نتوانسته اند از این روند درس بگیرند دنباله در صفحه ۸

ستم بر زن موقوف!



بنگلادش 8 مارس 2008

است. نزد این گرایش خاتمی و جنبش دو خرداد نه تسهیل کننده تغییر توازن قوا و تحولات در وضعیت جامعه و زنان، بلکه برعکس واکنشی نسبت به جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم

سال اخیر می‌خواهند راه یابی کنند، روش درست مبارزه برای حقوق زن را بیابند و یا دیگران را به این روش یا آن یکی متقاعد کنند.

گویی ماهیت رژیم اسلامی را با تکیه بر تجربه این دو سال باید ارزیابی و تحلیل کرد. تجربه دو خرداد گویی از یادشان رفته است. در اذهان مردم فاصله جشن پیروزی خاتمی و توهم به اصلاح طلبی او فقط دو سال طول کشید. ۱۸ تیر ۱۳۷۸ عملاً مهر پایان این توهمات بود. چیزی طول نکشید تا دو خردادی‌های مقله "عبور از خاتمی" را طرح کردند و بالاخره دو سه سال بعد نیز به دست خود و به اعتراف خود دو خرداد را به خاک سپردند. آیا این تجربه کافی نیست تا به هشدارها و تحلیل‌های سخنگویان گرایش رادیکال گوش فرا دهیم. این همه پیگیری در تحمل شکست از کجا نشأت می‌گیرد؟

در تدارک ۲۲ خرداد ۸۶ فعالین جنبش حقوق زن بیانیه ای را صادر و به امضاء ۷۰۰ نفر، عمدتاً از فعالین جنبش ملی - اسلامی رساندند. در این بیانیه نیز بیش و روش تنگ و محدود "اصلاح طلبانه" حاکم است. توهم و توهم پراکنی در سطور این بیانیه بچشم می‌خورد. هنوز نقد متوجه یک بخشی از حاکمیت است، هنوز به بخشی از نظام توهم وجود دارد. تلاش میشود که با

صفحه بعد

بودند. دو خرداد و خاتمی به این دلیل به میدان نیامدند تا وضعیت مردم را بهبود بخشند و جامعه را آزادتر کنند، آنها پیش از هر چیز آمدند تا در مقابل موج خروشان جنبش اعتراضی مردم بمنظور حفظ رژیم اسلامی سد ایجاد کنند. این تفاوت بینشی، سیاسی، روشی و در یک کلام جنبشی میان دو گرایش، دو افق کاملاً متفاوت را در مقابل جنبش آزادی زن می‌گذارد. اگر قرار باشد زنان حتی به نیمی از حقوق و مطالباتشان برسند، گرایش رادیکال باید بتواند افق خود را بر جنبش حقوق زن اعمال کند. افق اصلاح طلبانه محکوم به شکست است.

فعالین مبتکر حرکت ۲۲ خرداد ۸۴ تصمیم به تکرار این تجربه گرفتند. تجمعی "مسالمت آمیز" برای ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ در میدان ۷ تیر فراخوان داده شد. این تجمع پیش از آغاز وحشیانه سرکوب شد. این حرکت نشان داد که جنایتکاران را نمیتوان با بلند کردن پرچم سفید و با قسم خوردن به مسالمت آمیز بودن و صلح طلب بودن اهلی کرد. از آن پس مباحثی میان فعالین حقوق زن در مورد روش های درست و غلط دفاع از حقوق زن شکل گرفته است. از اصلاح طلب بودن یا انقلابی بودن سخن میرود. از پاسیفیسم یا اکتیویسم صحبت میشود. جالب اینجاست که بنظر میرسد فعالین حقوق زن در ایران صرفاً با تکیه بر تجربه دو سه

کرد. اما پس از شکست و خاکسپاری دو خرداد، توسل به بخشی از رژیم برای ایجاد تغییر و اصلاحات نه تنها هوشیارانه نیست بلکه نابخردانه نیز هست. این گرایش خود یکسان نیست متشکل است از دو خردادی های سابق و جریانی که تصور میکند با بلند کردن پرچم اصلاحات میتواند رژیم زن ستیز خشن اسلامی را به عدم سرکوب متقاعد کند، یعنی از روی پراگماتیسم به اصلاح طلبی روی آورده است. رهبران این گرایش حتی به دست بوسی مجلس رفتند، جوایز خود را به خاتمی تقدیم کردند، چه شد؟ آیا موقعیت زنان سر سوزنی بهبود یافت؟ فعالین این گرایش با این سوال روبرو هستند: چه میزان سرکوب و خشونت از جانب رژیم اسلامی و چه میزان سر به سنگ خوردن موجب تغییر سیاست، بیش و روش شما میشود؟

گرایش دیگر درون جنبش حقوق زن رادیکالیسم و تغییر



ریشه ای در وضعیت زنان را نمایندگی میکند. این گرایش ذره ای توهم نسبت به این رژیم و "اصلاح طلبی" در چهارچوب رژیم اسلامی ندارد. میدانند که زنان زیر سلطه این رژیم به ذره ای آزادی نخواهند رسید و معتقد است که تحولاتی که در وضعیت جامعه و زنان در چند سال اخیر رخ داده است، نتیجه مبارزات جنبش اعتراضی مردم، علی العموم و جنبش آزادی زن، علی الخصوص

بخشی از این فعالین، معین دو خردادی از صندوق بیرون نیامد. مساله اینجاست که اگر بیرون هم میامد، گلی بسر این جنبش نمیزد. رئیس ایشان آقای خاتمی ۸ سال بر مسند قوه مجریه نشسته بود، و یک میلیمتر در وضعیت زنان تغییر داده نشد. لیکن این خاصیت جنبش های باصطلاح اصلاح طلب و پراگماتیست است که به هر نیمچه روزنه ای دخیل می بندند. متوهم اند و توهم می آفرینند.

در این روز عملاً دو تجمع شکل گرفت. یکی در مقابل سر در دانشگاه بمدت حدود یک ساعت که از زنان شرکت کننده مدام خواسته میشد آرام باشند. دیگری تجمع بسیار وسیع تری در پیاده روی مقابل و در حواشی دانشگاه که بمدت چند ساعتی بطول انجامید و زنان و مردان شرکت کننده در آن علیه رژیم اسلامی، آپارتاید جنسی و ستم بر زنان شعار دادند و با نیروهای سرکوب رژیم اسلامی درگیر شدند.

این دو تجمع و اعلام هواداری از کاندیدای دو خردادی توسط برخی فعالین حقوق زن بار دیگر نشان داد که جنبش حقوق زن از دو گرایش متمایز تشکیل میشود. یکی جنبشی است که دل به اصلاحات خوش کرده است و تصور میکند که قادر است با وجود جمهوری اسلامی در موقعیت زنان بهبودی قابل توجه ایجاد کند. جریانی که در سال ۷۶ تا ۷۸ چنین می اندیشید را شاید میشد درک

زنده باد سوسیالیسم و برابری!



خود مبارزه کرد. تا اینجا این مساله ایرادی ندارد. اما سوالی که مطرح میشود، اینست که آیا جنبش حقوق زن برای پیشرفت نیازمند یک روز همبستگی ملی است؟ آیا تعیین چنین روزی موجب ارتقاء این جنبش میشود؟

چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم ۸ مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از ۸ مارس رژیم نیز به استقبال این روز می‌رود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز ۸ مارس را رسماً به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

ضمناً ۸ مارس اکنون بطور ویژه ای به تاریخ جنبش آزادی زن در ایران نیز تعلق دارد. ۸ مارس ۱۳۵۷ مهمترین روز در تاریخ جنبش حقوق زن در ایران است. در این روز هزاران زن به خیابان‌ها آمدند و حقوق خود را طلب کردند. این روز شاهد اولین اعتراض وسیع علیه رژیم اسلامی و قوانین اسلامی بود. این روز تولد جنبش حقوق زن در ابعادی نوین و اجتماعی است. ۸ مارس برای جنبش آزادی زن در ایران هم از نظر بین المللی و همبستگی بین المللی جنبش آزادی زن و هم از این رو که مهمترین و اولین اعتراض اجتماعی و گسترده زنان در ایران به قوانین اسلامی و حجاب در این روز شکل گرفته است، از نظر تاریخ جنبش آزادی زن در **صفحه بعد**

پاسخ من به هر دو سوال فوق منفی است. جنبش حقوق زن در ایران همچون جنبش حقوق زن در سطح بین المللی تاکنون همبستگی خود را روز ۸ مارس به نمایش گذاشته است. ۸ مارس تأکیدی است بر هم سرنوشتی زنان تحت ستم در سراسر جهان. علیرغم تفاوت‌های بعضاً فاحش در وضعیت زنان در کشورهای مختلف، یک جنبش آزادی خواه و برابری طلب در سطح بین الملل وجود دارد که در این روز ادعای زنانه علیه ستم را در سراسر جهان مطرح میکند. زنان و مردان برابری طلب در همه جا در این روز بانگ آزادیخواهی و برابری طلبی بر می‌آورند. و چشمان تمام دنیا در این روز به سمت جنبش آزادی زن می‌چرخد. این یک روز همبستگی بین المللی است و این اولین خاصیت ۸ مارس است. خاصیت دیگر این روز تداعی شدنش با رادیکالیسم و برابری طلبی است. روزی است که جنبش آزادی زن تمام خواست‌هایش را با جسارت و مصراحت مطرح میکند. سنت این روز به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی میرسد و همین مساله افق حاکم بر جنبش آزادی زن را گسترش میدهد.

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون

این محدودیت‌ها بعنوان یک اصل و وفق دادن مطالبات و امیال جنبش مان با این محدودیت‌ها مساله ای دیگر. ما محدودیت‌ها را درک میکنیم ولی این محدودیت‌ها را نباید محملی برای محدود کردن افق مبارزه قرار داد، به توجیه شرایط پرداخت، نسبت به رژیم و اسلام توهم پراکنی کرد و تاریخ را وارونه نوشت. این استدلالات تلاشی برای جلوگیری از هر نوع نقد به محدودیت‌های جنبش اصلاح طلبانه و ملی - اسلامی است.

اخیراً در مجادلات و بحث‌هایی که در میان فعالین جنبش حقوق زن برای یافتن راه کارهای جنبش حقوق زن در جریان است مقولاتی چون اصلاح طلبی و انقلابی گری، خشونت یا مسالمت جویی در روش مطرح میشود. اینها مباحثی اساسی و مهم اند. ما پیش از این به کرات در این زمینه صحبت کرده ایم. با کمال میل در این مباحث دخالت خواهیم کرد. اما بحث در مورد این مقولات را به نوشته ای دیگر واگذار میکنم.

در این نوشته می‌خواهم به واقعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۶ بپردازم. مبتکرین این تجمع روز ۲۲ خرداد را روز همبستگی زنان ایران خوانده اند و قصد دارند که از این پس این روز را بعنوان یک روز همبستگی ایرانی گرامی بدارند. روشن است که میتوان هر روزی را

**جنبش حقوق زن در ایران همچون جنبش حقوق زن در سطح بین المللی تاکنون همبستگی خود را روز ۸ مارس به نمایش گذاشته است. ۸ مارس تأکیدی است بر هم سرنوشتی زنان تحت ستم در سراسر جهان.**

روز همبستگی با یک جنبش و یا روز اعتراض و مبارزه نامید، جمع کرد و برای حقوق

ترساندن رژیم از رادیکالیزه شدن جنبش حقوق زن، آن را به تسلیم در مقابل تعدادی از خواست‌های زنان وادار کند. این بیانیه جنبش عظیم مردم برای سرنگونی را نادیده می‌گیرد. تلاش‌های فردی و یا جمعی زنان، بویژه نسل جوان در ایستادگی در مقابل رژیم را حاشیه ای میکند. این بیانیه چشم بر رادیکالیسم روز افزون در میان نسل جوان می‌بندد. نه این ایستادگی و مقاومت، که "صبر و تحمل" زنان را تحسین میکند.\* (به پانیویس رجوع شود.)

حتماً این نقد از جانب برخی با توسل به سلاح پراگماتیسم و این استدلال که برای فرار از سرکوب چنین فرمولبندی‌هایی استفاده شده است، پاسخ می‌گیرد. حتی برخی از فعالین داخل کشور ما را متهم خواهند کرد که دشواری‌های تلاش و مبارزه برای دستیابی به حقوق زن در داخل کشور را درک نمی‌کنیم و تا آنجا پیش خواهند رفت که بگویند: "نفس تان از جای گرم بلند میشود." ما نیز همانگونه که طی ده سال گذشته مکرراً گفته ایم، پاسخ مان به چنین توضیحات یا توجیهاتی چنین است: ما به روشنی دشواری‌های مبارزه تحت رژیم سرکوبگر و زن ستیز اسلامی را می‌شناسیم و درک میکنیم. ما بعنوان توریست به خارج نیامده ایم. از دستگیری و شکنجه و اعدام گریخته ایم.

درک محدودیت‌های مبارزه در شرایط سرکوب و تلاش برای ترفیق درستی از کار مخفی و علنی یک مساله است، پذیرش



تاتزایا 8 مارس 2008

می رسد هدف چنین برخوردهای خشونت آمیزی، نهادینه کردن تدریجی ترس در دل زنان از حضور در فضای عمومی است، یعنی خانه نشین کردن زنان در ابعادی به وسعت مرزهای کشور."

شان در قالب های نوین (به ویژه کمپین جمع آوری یک میلیون امضاء برای اصلاح و تغییر قوانین تبعیض آمیز) و تاثیر بلافصل این فعالیت ها و مقاومت ها بر تصمیم سازان مملکتی (برای نمونه مطرح شدن برابری دیه زنان و مردان در مجلس و طرح افزایش سن مسئولیت کیفری در قالب لایحه تشکیل دادگاه های اطفال) از پیروزی های درخشان و قابل ستایش حرکت رو به جلوی زنان و حاکی از قابل تحقق بودن خواسته های این کمپین مردمی است."

(درباره ارتجاعی بودن مطالبه برابری دیه در نوشته دیگری صحبت خواهم کرد. اما طرح این مطالبه در مجلس اسلامی را بعنوان "پیروزی های درخشان و قابل ستایش" زنان قلمداد کردن یا نشانه عدم درک ظرفیت ها و امیال و خواسته های جنبش آزادی زن است، یا تلاشی برای آرام کردن و تسلیم کردن این جنبش!)

"از یک سو به مسئولان کشور هشدار می دهیم که این برخوردها و خشونت های نابخردانه برخی از مسئولان امنیتی، کل جامعه را در معرض تنش شدید قرار خواهد داد."

(کلیه ایتالیک ها و تاکیدات از من است.)

آذر ماجدی

(آیا نویسندگان این بیانیه خود بر این نظرند که حمله به "بدحجابان" از اختلاف سلیقه در نوع پوشش ناشی میشود؟ نزدیک به ۳۰ سال است که این رژیم بخاطر حجاب به زنان حمله برده است. اولین اعتراض اجتماعی زنان به این رژیم بخاطر مساله حجاب بوده است. حجاب به شیشه عمر این رژیم و حمله به بدحجابان به بارومتر سیاسی جامعه بدل شده است و این دوستان از "اختلاف سلیقه" صحبت میکنند. اگر از سرکوب نگران اید بهتر است هیچ نگویید، تحلیلی ارائه ندهید، تا تحلیلی خلاف حقیقت و توهم آفرین ارائه دهید.

از این آزار دهنده تر این تحلیل است که میگوید "بنظر میرسد" حمله به زنان با هدف "نهادینه کردن تدریجی ترس در دل زنان" انجام میگردد! این رژیم سمبل خشونت و ارباب است، مهمترین سلاح اش اعمال خشونت و ارباب است. ۳۰ سال است با خشونت و ارباب و اعدام و شکنجه حکومت کرده است و آنگاه این دوستان در بیست و نهمین سالگرد تولد این رژیم تازه از تلاش برای نهادینه کردن ترس صحبت میکنند؟)

"ارتقاء آگاهی و گسترش مطالبات زنان و مقاومت مستمر و آرام آنان طی یک سال گذشته در جهت تداوم فعالیت های برابری خواهانه

جویی زنان تاکید کنند و در این روز تولد جنبش "مستقل" زنان از احزاب را تبریک گویند، بیانگر تلاش و جهت گیری آنها برای تحکیم افق تنگ "اصلاح طلبانه" ملی - اسلامی بر جنبش حقوق زن است. بنظر میرسد این دوستان دارند به رژیم اسلامی اعلام میکنند که مسالمت جویند، صبور اند، کم خواه و کم توقع اند و به رژیم اسلامی هشدار میدهند که اگر با آنها کنار نیاید، جنبش رادیکال آزادی زن میدان دار خواهد شد و جامعه را زیر و رو خواهد کرد. باید به این دوستان گفت که جنبش اصلاح طلبی ملی - اسلامی یکبار این راه را پیموده و شکست خورده است. راه پیموده را پیمودن خطا است. این افق تنگ را کنار زنید. تامین حتی نیمی از مطالبات زنان به کنار زدن کامل رژیم اسلامی وابسته است.

#### پانویس:

نقل بخشی هایی از بیانیه مذکور:

"البته ما پیش بینی می کردیم به میزانی که خواسته های حق طلبانه زنان عمومی تر شود به همان میزان واکنش و محدودیت در برابر آن، از سوی برخی از صاحبان قدرت (که این خواست های عادلانه را با منافع خود در تضاد می بینند) گسترش خواهد یافت."

"بسیاری از زنان ایرانی صرفاً به دلیل تفاوت سلیقه در نوع پوشش خود نسبت به معیارهای شخصی برخی از مسئولان، امروز مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار می گیرند. اکنون بر اساس گزارش های منتشره تعداد ۱۴۶۳۵ نفر در مناطق مختلف کشور بازداشت شده و ۶۷ هزار نفر نیز به خاطر پوشش خود تذکر دریافت کرده اند. ابعاد این فاجعه در آن جاست که به نظر

ایران سمبلیک و حائز اهمیت است.

به این اعتبار جنبش آزادی زن باید همچنین ۸ مارس را بعنوان روز همبستگی جنبش آزادی زن بداند و این روز را با تمام قوا برگزار کند. جنبش نوین حقوق زن در ایران به سال ۱۳۵۷ برمیگردد و نه به ۲۲ خرداد ۱۳۸۴. این حقیقت را باید برسمیت شناخت و تثبیت کرد. ۸ مارس ۱۳۵۷ روز اعتراض و سرپیچی بود. روز اعتراض به حجاب و قوانین اسلامی بود. این دور از مبارزه زنان عملاً رژیم اسلامی را برای یک دوره عقب نشانید. لذا طعم پیروزی، هر چند کوتاه را به جنبش آزادی زن چشاند. در تقابل با این اعتراض و تجمعات وسیع زنان در این روز بود که جمهوری اسلامی بدیل تولد فاطمه زهرا را علم کرد. ۸ مارس روز مقابله زنان ایران با رژیم اسلامی است.

جنبش ملی - اسلامی اما تلاش میکند ۲۲ خرداد را بعنوان روز همبستگی تحمل، صبر و بردباری زنان و مسالمت جویی آنها در مقابل رژیم اسلامی علم کند. این تلاشی برای عقب نشانیدن جنبش رادیکال و آشتی ناپذیر آزادی زن است. باید توجه داشت که حاکم کردن افق تنگ ملی - اسلامی و یا "اصلاح طلبانه ای" که هنوز به بخشی از حکومت امید بسته است بر جنبش حقوق زن و اشاعه صبر، تحمل، بردباری و مسالمت جویی در این جنبش، نسخه ای است برای شکست.

این مساله که فعالین جنبش حقوق زن درست زمانی که ۸ مارس توسط دوست و دشمن برسمیت شناخته شده و به یک روز آشنا برای مردم بدل شده است، تصمیم میگیرند که یک روز همبستگی ملی اعلام کنند، در گرامی داشت آن بر صبر، تحمل، بردباری و مسالمت

**نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!**

**تجربه‌های زنانه** ستونی برای تجربه‌های زنانه است. برای این ستون بنویسید. از تجربیات خودتان و از زندگی خودتان. از آنچه که به خاطر زن بودنتان بر شما می‌گذرد. از آنچه که روزانه به نام زندگی شخصی و اجتماعی برایتان اتفاق می‌افتد. از همه چیز برای این ستون بنویسید و داستان زندگیتان را با دیگران تقسیم کنید. سردبیر نشریه پروین کابلی

### توضیح سردبیر!

نامه زیر هفته گذشته به آدرس من ارسال شد. نامه بسیار طولانی است و سرنوشت زنی را منعکس میکند. بخش زیادی از نامه درد دل بسیار شخصی این دوست عزیز است و سوالات مختلفی را در مورد چگونگی کار و زندگی خودش مطرح میکند. نامه اگرچه سرنوشت مشترک بسیاری از زنان و دختران جوان در ایران را منعکس میکند، اما آنجا که نویسنده نامه اش را با "خوش بحال کسی که زندگی نمی‌کند" به پایان میبرد بسیار تکان دهنده است. به دلیل مسائل امنیتی نامه را بطور مختصر و با نام دیگری برای نشریه تنظیم کرده‌ام. بخشی از جواب من به لاله را در آخر نامه ملاحظه میکنید.

### خوش بحال کسی که زندگی نمی‌کند

نامه از ایران

من لاله ۲۹ ساله و فارغ التحصیل فوق لیسانس روانشناسی بالینی هستم. پروین خانم، خوش به حالتان که در خارج از کشور زندگی میکنید. من در چهارسالگی مادرم را از دست دادم و در ۱۷ سالگی پدرم فوت کرد. با توجه به تلاش زیادی که برای درس خواندن کردم توانستم در یک دانشگاه دولتی تحصیل کنم. اکنون در شهرستان بندرعباس در یک خانه اجاره ای و بطور مجرد زندگی میکنم.

برای گرفتن کار در یک امتحان استخدامی شرکت کردم که حدود ۳۰۰۰ نفر در امتحان شرکت کردند و آنها ۸ نفر میخواستند. من نفر دوم شدم.

البته فکر نکنید که سوالات علمی یا تخصصی بود. همه سوالات مذهبی و خزعبلات بود. .... ببخشید. الان یک سال و نیم است که زیر دست گزینش رفته ام و چون در زمان دانشجویی حجاب را خوب رعایت نکرده ام قبول نشده‌ام. مگویند چون پوششست برخلاف شئونات اسلامی بوده حق کار کردن ندارم. بارها و بارها هوار کشیدم. حتی در وزارت .... که مرا برای مصاحبه خواسته بودند گفتم، فکر نمیکنید اگر یک دختر بتم که با عزت نفس و شرافت انسانی با ۱۰۰۰ مشکل خودش را به اینجا رسانده، نتواند سر کار برود عاقبتش چه خواهد شد؟

پروین خانم! من به آنها اعلام کردم که اگر رفتارم بشود هرگز به رژیم رای نخواهم داد. من کس و کاری ندارم. باید یک جایی برایم در نظر بگیرید. شاید زندان! آنها خوب میدانند چقدر زندگیم سخت است. تو گزینش ردم کردند.

خوونه نشینم چون کسی راندارم. تازه باید سر هر برج ۲۵۰ هزار تومان کرایه خانه هم بدم. در کجای اسلام گفته با یک دختر معصوم اینگونه رفتار بشود؟ من دینم را عوض کردم. گور پدر پیغمبرشان که به اندازه موهای سرشان خون ریخته اند و زنان را بیوه کرده اند.

من میخوام به سازمان شما بپیوندم ولی نمیدانم چطور؟ پروین جان من از هیچ تلاش و کمکی فرو گذار نخواهم کرد. **خوش به حال کسی که زندگی نمی‌کند.** باید تحمل کنم.

درود بر شما  
لاله عزیز!

با سلام و تشکر از اینکه مسائل شخصی و خصوصیت را با من در میان گذاشتی. حتما متوجه شده ای که من جواب نامه ات را با تاخیر چند روزه میفرستم. دلیل آن نه بی توجهی من به نامه ات و نه مشغولیات روزمره ام است. دلیل بسیار ساده ای داشتم. فکر میکردم چه جوابی به تو بدهم که بار دیگر امید به زندگی را به تو برگردانم. کاری که ساده نیست. وقتی که جمله "خوش به حال کسی که زندگی نمی‌کند" را در پایان نامه ات دیدم تکان خوردم. در این مدت عکسی که از خودت برایم فرستاده بودی را بارها و بارها نگاه کردم. چهره ای زیبا و چشمانی مهربان داری. دوست داشتم که اکنون اینجا بودی و دست هایت را می‌گرفتم و میتوانستم به صورتت نگاه کنم و بگویم که زیستن حق توست. هیچکس

من به آنها اعلام کردم که اگر رفتارم بشود هرگز به این رژیم رای نخواهم داد.  
لاله

حتی خود تو حق نداری حق زیستن خودت را زیر سوال ببری. البته که زندگی زیباست و البته که نباید تحمل کرد. باید زندگی کرد. میدانم که در شرایطی که هم اکنون داری شاید حتی شنیدن این سخنان بسیار سخت باشد. اما باید بپذیری که باید به زندگی و زیبایی آن گوش داد و تلاش نمود. باید لحظات حتی کوتاهی که در کنار دوستانت هستی را

از دست ندهی و ارج بگذاری. باید زیبایی را حتی در سخت ترین شرایط دید. میدانم سخت است. اما این را بدان که، تو تنها نیستی.

به نظر میرسد که انسانی قابل، زیرک و هوشیار هستی. اینها خصوصیات خوبی است. میتوانی راه پیشرفت را برایت هموار کنی. میتوانی نجاتت بدهد و درهای زیادی را بر رویت بگشاید. نباید امید را از دست داد.

برای کار با ما راههای مختلفی وجود دارد. یکی از این راهها جمع شدن با دوستان و آشنایانی است که به آنها اعتماد دارید. میتوانی جمع کوچکی را سازمان دهید و مسائل زنان و مشکلات آنها را مورد بررسی و گفتگو قرار دهید. حتما کسان زیادی در شرایط تو هستند که تو میتوانی از این طریق با آنها آشنا شوی. تلاش کنید که بحث های مختلفی را که در رابطه با حقوق زنان در جریان است دنبال کنید. در مورد خرافات و مذهب و عادات کهنه و عقب مانده صحبت کنید و آنها را نقد کنید. در رابطه با ارتباط مستقیم با ما حتما دوستانی که در بخش سازماندهی کار میکنند با شما تماس خواهند گرفت. اما مهمتر از هرچیزی این است که بتوانی دوستانی پیدا کنی. این دوستان خواهند توانست امکانات بسیاری را برای تو فراهم کنند. و دیگر اینکه باید سعی کنی بار دیگر زندگی را آنطور که باید باشد کشف کنی، نه آنطور که اکنون هست.

با بهترین احترامات

پروین کابلی

**آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!**



بطور پایه ای چه میتوان کرد؟ بنظر من باید دولت را وادار کرد که این اقلام را با سوبسید کامل در اختیار مردم قرار دهد. چرا بار بالا رفتن هزینه این اقلام در بازار جهانی را کارگر و مردم زحمتکش باید متحمل شوند؟ چرا طبقه حاکم متحمل نشود؟ چرا دولت متحمل نشود؟ از طرف دیگر راه حل پایه ای ما خلاصی از مکانیسم بازار و "دست نامریی" لعنتی بازار آزاد است. راه حل پایه ای ما سوسیالیسم است. سوسیالیسم پاسخ نیازهای مردم، پاسخ معضلات مردم، پاسخ تمامی مصائبی است که بشریت امروز با آن مواجه است. پاسخ ما سازماندهی انقلاب کارگری است. پاسخ ما استقرار فوری یک جمهوری سوسیالیستی است.

**پروین کابلی:** مبارزات کارگری به نظر میرسد که مبارزه ای برای مردان کارگر است. موقعیت زنان کارگر هنوز به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. در رشته هایی که زنان اکثریت را دارند از ابتدائی ترین حقوقی خبر نیست و زنان مورد ستم بیشتری قرار میگیرند. در مبارزه علیه فقر و دریافت دستمزدها چگونه میشود آنها را مورد خطاب بیشتری قرار داد و چرا تا کنون این مسئله مورد توجه گروههای سیاسی قرار نگرفته و یا کمتر روی آنها بحث و گفتگو شده است؟

**علی جوادی:** شاید یک نگرش فمینیستی در نگاه اول به

نکبت اسلام بیش از صد هزار نفر را کشته است. اعدام کرده است. شلاق زده است. به بالای دار برده است. گرانی اقلام غذایی یک واقعیت جهانی است. اما مسبب فقر و فلاکت گسترده جامعه در ابعاد کنونی گرانی کنونی نیست. ببینید، دستمزد کارگر را که دست نامریی بازار جهانی تعیین نکرده است. جلوی تشکل طبقه کارگر را افزایش اقلام غذایی در سطح جهان نگرفته است. اعتراض کارگران و جوانان و زنان را که بالا رفتن قیمت برنج و گندم و ذرت سرکوب نکرده است.

۲- بعلاوه مساله حیاتی تر این است که چرا اصولاً قیمت اقلام مورد نیاز زندگی مردم باید توسط بازار و مکانیسم بازار تعیین شوند؟ چرا؟ چه کسی گفته است؟ چرا یک اقلیت اندک سرمایه دار باید این محصولات

تولیدی را که حاصل تلاش و تعاون بشری است در تصاحب خود

داشته باشند؟ چرا خود تولید کنندگان نباید صاحبان و اداره کنندگان محصولات تولید شده باشند؟ چرا تمامی تولید کنندگان نباید به میزان نیازشان از این محصولات بهره مند شوند؟ آیا کمبود مساله است؟ آیا قدرت تکنولوژیک و تولیدی بشر مساله است؟ خیر، مساله مناسبات اقتصادی حاکم بر جوامع بشری است. مساله نظام سرمایه داری و دولتهای حافظ آن است. مساله در ایران دولت اسلامی و نظام سرمایه داری است.

اما بحث چه میتوان کرد در قبال افزایش اقلام زندگی مردم را باید در دو سطح پاسخ داد. به طور فوری چه میتوان کرد؟

**پروین کابلی:** شما تصویری ارائه میدید که واقعیت است. اما سوال این است که این بحران بطور واقعی فقط مختص به ایران نیست، یک بحران جهانی است. با این وصف چه میتوان کرد؟ فرض کنید که مخالفین این نظرات شما و یا مسئولین جمهوری اسلامی، با این استدلال به میدان بیایند؟ پاسخ شما چیست؟

**علی جوادی:** من اگر با چنین استدلالی از جانب مسئولین جمهوری اسلامی مواجه شوم، نه چندان محترمانه خواهم گفت: گورتان را گم کنید! دور نیست روزی که تمام سران رژیم اسلامی را به جرم جنایت علیه مردم در ایران پای میز محاکمه قرار دهیم. و در ادامه به تمامی کسانی که کارکرد نظام سرمایه داری حاکم و جایگاه رژیم اسلامی را نمی شناسد، نکات زیر را مطرح خواهم

راه حل پایه ای ما سوسیالیسم است. سوسیالیسم پاسخ نیازهای مردم، پاسخ معضلات مردم، پاسخ تمامی مصائبی است که بشریت امروز با آن مواجه است.

کرد.

۱- فقر و فلاکت امروزی محصول نظام سرمایه داری حاکم بر دنیا است. یک رویداد ناگهانی نیست. محصول کارکرد نظامی است که در آن جان و حرمت انسان دارای کمترین ارزش است. تردیدی نیست که سرمایه داری نظامی جهانی است. اما مساله این است که این نظام در حال حاضر با قدرت نظام اسلامی در مقابل تعرض جامعه ای که میخواهد آزاد و برابر و مرفه باشد، پا بر پا نگهداشته شده است. مهم این است که نظام اسلامی حامی و حافظ چنین سیستم ضد انسانی است. دولت چنین طبقه ای است. برای بقا و حفظ آن و

**دنباله مصاحبه با علی جوادی**  
حتی از زندگی ای برخوردار باشند که با "خط فقر" تعریف شده توسط اوباش اسلامی حاکم، تامین شود. واقعا شرم آور است!

اما ۳۵ میلیون، ۵۰٪، تنها چند رقم هستند. آمارند! و "آمار" درد و رنج و مصائب انسانها را منعکس نمیکند. این آمارها آنقدر تجریدی و آبستره هستند که هیچ بیانی از درد شکم کودکان گرسنه، از درد والدینی که باید شاهد بیماری و عدم امکان درمان فرزندان خود باشند، بدست نمیدهند. هیچ آماري عمق فاجعه ای که گریبان دهها میلیون انسان را گرفته است را بیان نمیکند. یک بررسی ساده رابطه مستقیم و یک به یک فقر و گرانی را با تمام مصائب اجتماعی نشان میدهد. میتوان دید که با گسترش فقر چه تعداد دخترانی که برای گذران زندگی و امکان تامین هزینه دانشگاهی ناچار به تن فروشی شدند. میشود محاسبه کرد که چه تعداد کودکانی روی دست پدران و مادرانشان درد کشیدند و شاهد عجز والدین در تامین امکانات درمانی برای خود بودند! میتوان بسادگی مشاهده کرد که چه تعداد انسانها از خوشی و شادی محروم شدند. چه تعداد افسرده و دچار دیپرسیون شدند. و چه تعداد روز را بدون هیچ عشق و امیدی به شب رساندند. این تنها گوشه ای از جنایتی است که فقر و نظام سرمایه داری و حکومت اسلام هر روز بر مردم اعمال میکند.



**نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!**



برنامه "حزب اتحاد کمونیسم کارگری" در این زمینه مطالبات روشن و همه جانبه ای را مطرح و بیان کرده است. یک ویژگی جنبش ما مساله آزادی بی قید و شرط زن و مرد در جامعه است. "مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار مشابه" یک خواست اعلام شده ما در این زمینه است. من به نوبه خود بار دیگر همه فعالین و سازماندهان جنبش رادیکال و سوسیالیست کارگری را به اهمیت این مساله فرا میخوانیم. در زمینه کمبودها شاید بشود چند کلمه ای هم گفت. من فکر میکنم که ما باید مبارزه جدی تری را در زمینه در هم شکستن آپارتاید جنسی در محیط کار دنبال کنیم. در این زمینه شاید تاکنون کار چندانی صورت نگرفته است. این یک نقطه ضعف است!

اما مبارزه علیه فقر یک مبارزه عمومی و اجتماعی است. الزاما مساله زنان یا مساله مردان نیست. مساله ای طبقاتی و اجتماعی است. مبارزه علیه فقر هم باید مبارزه ای با این مختصات باشد. در این چهارچوب بنظر سیاست "یا کار با دستمزدهای مکفی یا بیمه بیکاری مکفی" باید سیاست عمومی ما باشد.

آخرین قسمت مصاحبه در شماره آینده منتشر خواهد شد.

سنت در جنبش کارگری به پیش برده شده است؟

متأسفانه بخشهایی از گرایش رادیکال و سوسیالیستی کارگری هم به درجاتی تحت تاثیر این گرایش مردسالارانه است. یک وجه تلاش و تکاپوی کمونیسم کارگری در هم شکستن این سنت مردسالارانه و عقب مانده در تمامی عرصه ها است. چه در جامعه و چه در محیط کار. جنبش ما همواره بر حضور گسترده زنان در صفوف اعتراضی تاکید کرده است. زن و مرد برابرند، در تمامی شئون. جنبش ما پرچمدار آزادی زن و رفع ستم بر زن است. سازمان آزادی زن در این چهارچوب نقش حیاتی و مهمی تاکنون ایفا کرده است.

همانطور که اشاره کردید: زنان در جامعه و در محیطهای کاری و همچنین در مراکز تولیدی تحت ستم دو چندانی قرار دارند. به ازاء کار مشابه مزد برابر دریافت نمیکنند. دستمزدهایی بمراتب کمتر حتی از دستمزدهای بخور و نمیر کارگران مرد دریافت میکنند. در زمره اولین بخشی از کارگران هستند که در صف مقدم اخراج قرار میگیرند. از هیچگونه امکاناتی و تسهیلاتی که لازمه حضور زن در محیط تولیدی و کاری است برخوردار نیستند. در بخشهای "زنانه" مراکز تولیدی ما شاهد انواع و اقسام ستم بر زنان هستیم. من مسلما نمیتوانم از جانب "احزاب سیاسی" علی العموم حرف بزنم اما حزب اتحاد کمونیسم کارگری به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علی تبعیض و نابرابری علیه زنان در جامعه قرار دارد. ما برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در جامعه مبارزه میکنیم. یک دنیای بهتر

ما شاهد حضور کمتر زنان در اعتراضات کارگری هستیم.

اما این تمام مساله نیست. عوامل دیگری هم در این مشاهده دخیل اند. بنظر من برخی گرایشات موجود در جنبش کارگری تلاش چندانی برای حضور زنان کارگر در اعتراضات کارگری بخرج نداده اند و یا اصولا بخرج نمیدهند. گرایش سندیکالیستی و گرایش ملی - اسلامی در صفوف کارگری اصولا حساسیتی در این زمینه ندارد. بعضا یک گرایش مرد سالارانه است. در بهترین حالت نگاهی "مستضعف پناه" به زن دارند. در این سنت مرد "مبارز" است. زن در بهترین حالت حامی "مرد" است. پشت جبهه مبارزه مرد "نان آور" خانه است. مرد در جلو صحنه است. زن عقبه دار مبارزه اش است! در این سنت زن، انسان آزاد و برابر نیست. مردسالاری یک نگرش حاکم در این سنت است.

دلایل در توجیه این وضعیت کم نیستند. برخی "محافظه کاری" زنان و ناپایداری موقعیت زنان کارگر را دلیل عدم حضورشان در صفوف اعتراضی و اعتصاب میدانند. بنظر من این بهانه بهیچوجه قابل قبول نیست. مساله این است که موقعیت ناپایدار زنان در محیط کار خود باید عرصه ای برای مبارزه علیه نابرابری مضاعف برای فعالین و سازماندهندگان جنبش کارگری باشد. شاید برخی دیگر بگویند مساله به نگرش خود زنان بر میگردد. شاید برخی از زنانی که چنین نگرش مرد سالارانه ای را پذیرفته اند، نقش خود را در "عقب صف" مبارزه ببینند. اما مساله این است که چه تلاشی برای تغییر آگاهانه این خصوصیت صورت گرفته است؟ چه مبارزه ای علیه این

اعتراضات کارگری در حال حاضر به این نتیجه برسد که "مبارزات کارگری به نظر میرسد که مبارزه ای برای مردان کارگر است". اما نه نگاه اول الزاما نگاه دقیقی است و نه چنین نگرشی بطور واقعی به ضعفها و کمبودهای موجود در جنبش کارگری نگاهی واقع بینانه و اصولی دارد. واقعیت این است که به خاطر سیاستهای ارتجاعی و ضد زن رژیم اسلامی درصد بالایی از زنان شاغل طی پروسه ای از کار اخراج و بیکار شدند. تیغ اخراج در درجه اول بر گردن زنان علی العموم و زنان کارگر فرود آمد. در سال ۵۷ حدود ۱۱٪ از نیروی کار را زنان تشکیل میدادند. در حال حاضر زنان حدود ۴ تا ۵ درصد نیروی کار را تشکیل میدهند. یک رکن همیشگی سیاست حکومت اسلامی تلاش برای خانه نشین کردن و تحمیل موقعیت "اندرونی" به زن در جامعه بوده است. تلاش کرده است با ایجاد موانع حقوقی و اقتصادی و فرهنگی و عملی بسیاری مانعی برای حضور زنان در عرصه فعالیت اقتصادی باشد. زن برای اشتغال علی العموم با موانع متعددی در مقایسه با مرد روبرو است. آنجا هم که موانع را زنان با فشار و مقاومت و تلاش خود خنثی کرده اند، در ازاء کار مشابه مزد مساوی دریافت نمیکنند. اما رژیم تماما در این عرصه هم موفق نبوده است. در عرصه برخورداری از علم و تحصیل نتوانسته است سهم زنان از علم و دانش را تقلیل دهد. تلاش زنان برای حضور در عرصه فعالیت اقتصادی گوشه ای از مبارزه عمومی زنان برای آزادی و برابری کامل در جامعه است. نتیجتا به دلیل قلت حضور زنان در محیط کار و تولید صنعتی

۲۵ خرداد دانشجویان دانشگاه زنجان دست به اعتراض، تجمع و تحصن زدند. سازمان آزادی زن در تاریخ ۲۸ خرداد با انتشار اطلاعیه‌ای از تحصن دانشجویان حمایت کرد و خواستار کوتاه کردن دست نهادهای اسلامی از دانشگاه شد.

<http://www.azadizan.net/farsi/archive/2008/06/zanjan.html>

**هانای عابدی به ۵ سال زندان و تبعید محکوم شد**  
هانای عابدی فعال حقوق زنان، دانشجوی ۲۱ ساله دانشگاه پیام نور بیجار و از اعضای انجمن زنان آذر مه‌ر کردستان که از یازدهم مهرماه سال گذشته در شهر سنندج بازداشت شده بود، روز ۲۹ خرداد به ۵ سال حبس محکوم شد. طبق گفته وکیل هانا عابدی، اتهام این دختر جوان "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور" اعلام شده است!

سازمان آزادی زن به اسارت کشیدن و به گروگان گرفتن فعالین جنبش حقوق زن را طی اطلاعیه‌های متعدد قاطعانه محکوم و اعلام کرد تنها راه خلاصی از این شرایط، تداوم و گسترش اعتراض و مقابله با سرکوب این رژیم زن ستیز است.

[http://www.azadizan.net/farsi/archive/2008/06/etelaieh\\_hana.html](http://www.azadizan.net/farsi/archive/2008/06/etelaieh_hana.html)



## اطلاعیه‌های سازمان آزادی زن

**دستگیری ۸ نفر از فعالین جنبش حقوق زن**

در پی دستگیری هشت نفر از فعالین جنبش حقوق زن در تهران که بمناسبت سالروز ۲۲ خرداد قصد تجمع داشتند، سازمان آزادی زن طی اطلاعیه‌ای در تاریخ ۲۳ خرداد ۸۷ از مردم ایران، از آزادیخواهان و برابری طلبان خواست که به این سرکوب‌ها اعتراض کنند.

<http://www.azadizan.net/farsi/archive/2008/06/SAZ22Xordad-press.html>

**دست نهادهای اسلامی از دانشگاه کوتاه!**

در پی پخش خبر "تعرض" حسن مددی، معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه زنجان به یک دانشجوی دختر در شامگاه شنبه

مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان با ارائه گزارشی از عملکرد يك ساله واحد مددکاری صدای یارا، رشد کودک آزاری های جنسی در سال گذشته نسبت به سال ۸۵ را ۳,۵ برابر اعلام کرد. وی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا افزود، ۷۰ درصد از کودکان آزار دیده، دختران بودند.

شواهد و مستندات از قتل ناموسی و تحت حمایت قانون در ایران نشان میدهد. گزارش شده که وی به شدت تحت آزار و اذیت قرار داشته است.

<http://hra-iran.org>

**افزایش ۳,۵ برابری کودک آزاری جنسی در ایران در سال گذشته**

**کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر ۲۶ خرداد ۱۳۸۷**

زنان نیز دیده می‌شوند.

**خود سوری یا قتل ناموسی فعالان حقوق بشر در ایران**

بر اساس گزارشات منتشر شده روز جمعه ۲۴ خرداد ۸۷ اعلام گردید زنی به نام زلیخا محمدی در شهر مهاباد اقدام به خودسوزی نمود و بدلیل جراحات ناشی از سوختگی جان خود را از دست داد. اما

## از میان خبرها

**افزایش شمار مبتلایان به ایدز در ایران**

**ایران پرس نیوز ۲۲ خرداد**

به گزارش مقامات رژیم اسلامی شمار مبتلایان به ویروس ایدز از راه روابط جنسی آلوده هم اکنون افزایش پیدا کرده و در میان مبتلایان افراد جوان و کم سن و سال و

را جزو اهداف خود میدانند و یک پای سازمان دادن جنبشی بین المللی بر علیه ستم بر زنان است.

بهبود موقعیت زنان در جمهوری اسلامی یک خیال و رویا است. صحبت، بیدار کردن این دوستان از این رویا است.

پروین کابلی

"زندان حق نیست" است.

مبارزه بر علیه حکومت زن ستیز و سیستم آپارتاید جنسی ایران یک مبارزه رادیکال است. به جنبشی احتیاج دارد که بدون توهم میدانند که این رژیم اصلاح شدنی نیست. میدانند بدون تغییراتی بنیادی نمیشود موقعیت فرودست زن را تغییر داد. همبستگی با زنان در جهان

داشتن خود دارد. این جنبش و سازمان دهندگان آن، اهداف مبارزه خود را در گروه حرکات اپوزیسیون ملی - اسلامی قرار داده است و نمیخواهد تغییراتی بنیادی در جمهوری اسلامی بوجود آورد. پرچم مبارزه ای را بلند کرده است که هدفش اصلاحاتی در اینجا و تغییراتی در آنجا است. "از هوشیاری و خرد" صحبت میکند و شعارش

## دنباله سخن سردبیر

و هنوز در رویای تغییرات جدی در قانون اساسی جمهوری اسلامی هستند.

این یک واقعیت است که علیرغم همه تجارب دوره خاتمی و حضور در مجلس اسلامی و سرکوبهای بعدی، این جنبش تلاش برای زنده نگه

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.  
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی، [azarmajedi@yahoo.com](mailto:azarmajedi@yahoo.com)

سردبیر پروین کابلی، [parvinkaboli@yahoo.se](mailto:parvinkaboli@yahoo.se), Tel: +46 707 744 020

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، [esmail\\_owji@yahoo.com](mailto:esmail_owji@yahoo.com)

**زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!**